

پیامدهای سیاسی و دورنمای اقتدارگرایی در کشور گرفتن تصمیم اراده می‌خواهد و اجرای تصمیم قدرت گوهر مقصود از دل طوفانی دریا باید جست

رویکردهای قومی و سیاست ملی قوم پرور
اجازه ندهید که دیگران بجای شما فکر کنند
نبایست اسیر سرنوشت نوشته شده شد
نزاع‌های هویتی را نباید دامن زد

اقتدارگرایی بر رفتارگونه ای از نهادها و سازمانهای اجتماعی گفته می‌شود که فرمانبرداری از اقتدار و ادارات کارگزاران، ویژگی ممتاز بشمار می‌رود. این مفهوم معمولن مخالف فردگرایی و دموکراسی می‌باشد. در علم سیاست دولت اقتدارگرا دولتی است که در آن اقتدار سیاسی در گروه کوچکی از سیاستمداران متمرکز شده است. این مفهوم اغلب این مفهوم اغلب در مقابل فردگرایی، دموکراسی و آزادیخواهی قرار می‌گیرد. ویژگی غیراقتدارگرایی قدرت بشدت متمرکز و مجتمع می‌باشد که با سرکوب سیاسی و طرد مخالفان بالقوه تثبیت میگردد. این قدرت از احزاب سیاسی و تشکیلات توده‌یی بمنظور بسیج شهروندان بخاطر دستیابی با اهداف رژیم استفاده میگردد. اقتدارگرایی بر قانون حاکمیت تأکید دارد و نه حاکمیت قانون. این شکل حکومت اغلب دارای سازو کارهای انتخاباتی است. تصمیم‌های سیاسی از جانب گروهی برگزیده شده از مقامات و پشت درهای بسته گرفته می‌شود. نوعی بروکراسی که گاه مستقل از قوانین عمل نموده، بخوبی بر مقامات نظارت داشته و در رسیدگی به غدغه‌های حوزه‌های انتخاباتی شکست می‌خورند.

در مبحث کنونی، بمثابة آغاز کلام، قابل یاددانهایی پنداشته می‌شود که بمنظور اتخاذ موضعگیری در قبال جریان وقایع و حوادث اتفاقیه در هر کشوری، دانستن تاریخ و پیشینه آنکشور از اهمیت منحصر بفردی برخوردار می‌باشد. ترکیب شهروندان کشورها از لحاظ اتنیکی، نژادی، قومی، فرقه‌یی و دینی و مذهبی و... بایست مورد مطالعه و موا شگافی قرار داده شود تا با شد نحوه بیان و قضاوت در مورد سایر ویژگی‌های آن معین و مشخص گردد. در مورد کشور عزیز ما افغانستان شایان تذکر پنداشته می‌شود که پس از خروج همراه با عجله و شتاب نظامیان امریکایی از اراضی متعلق بکشور عزیز ما، در واقع ژئوپولیتیک منطقه آسیای مرکزی متحول گردید. از یکجانب شاهد ایجاد خلای قدرت در کشور بوده و همچنان، تکوین دگرگونی‌هایی در مجموعه تهدیدهای موجود نیز قابل مشاهده بود. از جانب دیگر، برای پاکستان اصل نظارت بر مرزهای شمالغربی آنکشور از اهمیت شایانی برخوردار بود. چه، "طالب" ها، مرزهای تعیین شده بین المللی را اصلن بر رسمیت نمی‌شناسند و در عرصه بین المللی نیز بگونه ای فعال میباشند. برخی ها هم چنین میپندارند که تحرکات آغاز شده توسط "طالب" ها را نمیتوان بمثابة یک جنبش سیاسی - مذهبی بمفهوم کلاسیک آن محسوب نمود. بلکه بمثابة اکوسیستمی تعریف می‌گردد که مبتنی بر مدیریت سلسله مراتب نمی‌باشد. بنابراین اکوسیستم را می‌توان بمثابة مجموعه ای از تشکلات مستقلی تعریف نمود که در مجموع، تشکیل دهنده ساختار مناسبات و روابط پنداشته می‌شود. در اینمورد از یاد ما نرود که "طالب" ها سابقه طولانی و درازمدت با مجاهدین در کشور ما دارند، مجاهدینی که واحدهای رزمی و عملیاتی آنها با تلاش‌های مشترک ایالات متحده، پاکستان و عربستان سعودی بمنظور تقابل و رویارویی با حضور نظامیان شوروی در کشور ما، سرهم بندی گردیده و سنگپایه‌های آن نهاده شد. اما در مورد "طالب" ها بایست متذکر گردید کاتنها در مجموع، هویت روشن

مذهبی داشته که در نوع خود، بمثابة عامل پیوند آنها محسوب می گردد. ساختار گسترده شبکه یی و حضور جناح های سیاسی و نظامی، مدل پیچیده سازمانی، سازگاری مداوم با شرایط جدید، توسعه تجارت مواد مخدر، بکارگیری انواع جدید سلاح ها، سازماندهی بالا و تلاش بمنظور دستیابی بسطح مورد نظر خودکامگی برای مستقل بودن از حامیان خارجی یا اهدا کننده ها را می توان نامبرد. تبلور اصل قومیت، آداب، رسوم و سنت های محلی، مذهبی، هنر های رزمی، فعالیت های جناحی و... همه اینها در عملکردهای "طالب" ها بوضاحت مشاهده می گردد.

"طالب" ها بمثابة آموزش دیدگان مدارس دیوبندی در پاکستان، مدارسی که هزاران جوان افغان را پس از فراگیری آموزش هایی بمنظور شرکت در جبهات نبرد مسلحانه و تداوم جنگ علیه حاکمیت قانونی در افغانستان، بسرزمین کشور عزیز ما فرستاده میشدند، وارد عرصه نبردهای مسلحانه گردیدند. بخش هایی از جنگجویان یادشده در شبکه های بزرگتر و گسترده تری تحت عنوان جبهه و محاذ تنظیم میگرددند که توسط یک تن از رهبران مجاهدین رهبری شده و معاونت ها و تدارکات کمک شده از جانب کشورهای خارجی را تنظیم و توزیع می نمودند. پس از آنکه نظامیان شوروی در امتداد سال ۱۳۶۸ خروج شان از کشور ما را آغاز نمودند، جمهوری دموکراتیک افغانستان الی سال ۱۳۷۱ در کشور بموجودیتش همچنان ادامه داده و اما در جریان درگیری های مسلحانه داخلی و در نتیجه اختلافات درون گروهی از هم فرو ریخته و در نهایت امر، هرج و مرج سراپای جامعه را فراگرفت. وضعیت اینچنینی، سبب ساز پیدایش و ظهور دسته بندی های مختلف رهن ها گردیده و در نهایت امر، حکومت مجاهدین سقوط نموده و حاکمیت دینی "طالب" ها وارد میدان گردید. نباید فراموش نمود که در نتیجه نخستین پیروزی "طالب" ها در امتداد سال ۱۳۷۵، شرایط بمنظور تبدیل کشور عزیز ما به لانه امنی برای خرابکاران و به محل مطمئنی برای انجام عملکردهای تروریستی، بویژه برای "القاعده"، مساعد و مهیا گردید.

اما علاقمندی و تمایل "طالب" ها به تبدیل کشور عزیز ما افغانستان بیک جامعه اسلامی سنتی، آنها را در برابر فشار های خارجی نیز مقاوم تر نموده است. "طالب" ها باصل قومیت ارجحیت قائل گردیده و اما برای "القاعده" و "دولت اسلامی"، اصل یادشده مطرح نمی باشد. تفاوت ها و تمایزات یادشده، بر تعیین و انتخاب اولویت های ستراتیژیک هر دو گروه تأثیرات معینی بجا گذاشت. اما "طالب" ها در عوض جهاد جهانی که "القاعده" آنرا تبلیغ می نمود، بر اصل مبارزه و تداوم جهاد و بانجام رسانیدن درگیری های مسلحانه در داخل کشور، تأکید بعمل آوردند.

"طالب" ها مانند سایر سازمان ها و دسته بندی های مذهبی شبه نظامی دیگری، ایدئولوژی و مجموعه قوانین و مقررات منحصربفرد خود را دارند. مسأله جداگانه اما نهایت مهم از جمله یکی هم انتشار اسناد اعتقادی "طالب" هاست که بمثابة اصل رهنمای مدیریت واحدهای تاکتیکی پنداشته می شود. "طالب" ها با ستراتیژی جمعیت محور تلاش می ورزند تا یک کمپاین چریکی را راه اندازی نمایند. غرب بنمایندگی از ایالات متحده و ناتو، با تکیه بر حقوق بشر، در مورد حق تحصیل و اشتغال بانوان کشور در امور و فعالیت های اجتماعی، تبلیغات همه جانبه ای را پراه انداخت، اما راه اندازی و انجام عملیات های خشن که منجر به تلفات وسیع شهروندان ملکی کشور گردید، در نوع خود، تلاشهای تبلیغاتی و اشنگتن را نقش بر آب نمود. صدمه دیده ها و بازمانده های قربانیان حملات هواییماهای بدون سر نشین امریکایی و همدستان شان، جانب "طالب" ها را گرفته و به حامیان آنها مبدل گردیدند، چه آنها را بمثابة محافظان شان می پنداشتند. نباید فراموش نمود که با بقدرت رسیدن "طالب" ها در امتداد سال ۱۴۰۰، این واقعیت عملن باثبات رسید که تکوین تغییراتی در موارد اعتقادی و انجام کار دقیق با مؤلفه های ایدئولوژیک، بیهوده نبوده است.

درست ترین رویکرد برای کشور عزیز ما افغانستان، بویژه در شرایط و وضعیت حاضر، طرح و توسعه یک ستراتیژ ی همسو با بازیگران منطقوی، از جمله جمهوری های آسیای مرکزی، چین، روسیه، ایران، کشورهای خلیج و همزمان با آن، انجام تلاش بمنظور توسعه کشور ما پنداشته می شود. عده ای هم چنین می پندارند که بهتر خواهد بود تا بعوض منزوی کردن "طالب" ها، اصل واقعیت بازگشت و تصرف مجدد قدرت توسط آنها را پذیرفته و بر تانیر گذاری بر آنها تلاش صورت گیرد.

در نهایت امر، تذکر این مسأله لازمی پنداشته می شود که گفتمان اسلام آباد، مسکو، پکن و تهران، بمثابة یک مجموعه بهم پیوسته، بمفهوم مطابقت با انتظارات غرب محسوب می گردد: پایه گذاری و تشکیل دولت فراگیر، احترام بحقوق بشر، حق تحصیل و اشتغال بانوان کشور، الزام به پناه ندادن گروه های تروریستی در سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان و...، اما در ین بخش پرسشی مطرح می گردد کاجرای عملی طرح های یادشده، چه مدت زمانی بدرازا خواهد کشید و چگونه می توان در بدل حمایت های اقتصادی، در عرصه های مورد نظر، از "طالب"

امتیازگرف؟ در اوضاع و احوال کنونی، "طالب"ها علیه ایران اعلام جنگ می نمایند. در چنین وضعیتی، این امر کاملن محتمل بنظر می رسد که رویداد یادشده، بمتابۀ یکی از عناصر سیاست جهانی با هدف تغییر اساسی وضعیت درکل جهان بمفهوم وسیع کلمه تلقی گردد که بنحوی از انحاء بردول کشورهای همجوار افغانستان نیز تأثیرگذار پنداشته شده و به یقین که از اثربخشی و مؤثریت لازمی در این عرصه برخوردار می باشد.

همچنان بایست یاددهاتی بعمل آید که "طالب"ها تحت تحریم های سازمان ملل قرار دارند، در امتداد سال ۱۴۰۰، "طالب"ها، قدرت را در کشور متصرف گردیدند. آنها مقادیر هنگفت سلاح و تجهیزات محاروبی بجا گذاشته شده امریکایی ها و متحدین غربی آنها را نیز بدست آوردند. بخاطر باید داشت که با بجاگذاشتن سلاح های پیشرفته و تجهیزات مدرن، در واقعیت امر، بیش از پیش عملن به مسلح نمودن "طالب"ها بسلاح های پیشرفته مبادرت ورزیدند.

حتا در آن زمان نیز این واقعیت واضح ومبرهن بود کایالات متحده وهم پیمانانش احتمالن نه تنها بگونه شرم آوری از کشورما فرار نمودند، بلکه درعین زمان، بی ثباتی وسیع و گسترده ای را بمتابۀ تحفه ای برای منطقه پرمغان آوردند که پیامدهای مشهودی در پی خواهد داشت.

اما در مورد درگیری های "طالب"ها و ایران بایست خاطر نشان نمود که در عقب درگیری متذکره، یک مؤلفۀ نیز جا دارد. "طالب"ها بمتابۀ یک مجموعه، جنبش سنی مذهب بوده و این در حالیست که در کشور ایران اکثریت قریب باتفاق شهروندان آن شیعه مذهب می باشند کاین خود زمینه ساز اتخاذ موضعگیری های متضاد شده و سبب وسعت اختلاف در طرز نگاه منافع مذهبی و دینی آنها می گردد.

از موارد قابل توجه، از جمله یکی هم سهمیم بودن "طالب"ها در تجارت مواد مخدر پنداشته می شود. آنها برای نخستین مراتبه در کندهار پابعرضه وجود نهاده و پس از آن ساحة نفوذ شان را به مناطق جنوب کشور نیز گسترش بخشیدند. منابع و قابلیت های مالی آنها از وجوه کمک کشورهای های خارجی مانند پاکستان و عربستان وهمچنان بخش عمده مصارف جنگی وتدارکاتی آنها از طریق قاچاق مواد مخدر تأدیه وتأمین می گردید.

اما پس از مدتی، ضرورت و اهمیت تحکیم قدرت سیاسی، "طالب"ها را برآن واداشت تا در اقتصاد مواد مخدر نیز دخالت نمایند.

با وجود فرمان های جدید "طالب"ها مبنی بر منع کشت وتجارت مواد مخدر اما کاهشی در مورد یادشده اصلن رونما نگردیده وتجارت غیرقانونی آن نیز همچنان ادامه یافت. مدتی پس از آن، تا سال ۱۳۷۸، "طالب"ها از آزمایشگاههای هیرویین مالیات نیز اخذ می نمودند.

در پایان سال یادشده، "طالب"ها کشت و زرع خشخاش را ممنوع اعلام نمودند که به کاهش ۷۵ درصدی عرضه جهانی هیرویین در سال انجامید.

بایست یاددهاتی بعمل آید که در امتداد ۲۰ سال پسین، کشت و زرع خشخاش در کشورما همچنان تداوم حاصل نمود. در امتداد سال ۱۳۹۹، "طالب"ها از مدرک زرع و کشت خشخاش مبلغ ۴۱۶ میلیون دالر بدست آوردند، اما برای اکثریت شهروندان کشور عزیزما منابع جاگزین معیشت، اصلن از قوه بفعل مبدل نگردید.

در شرایط و وضعیت کنونی، از کشور عزیزما افغانستان پیغام های هشدار دهنده ای بگوش می رسد. با بررسی دقیق وسایل اطلاعات همگانی داخل کشور، چنین تصویری خلق می گردد که حاکمیت کنونی "طالب"ها از نظارت بیشتر بر اوضاع کشور عاجز می باشد. بر بنیاد قضاوت های موجود چه در داخل کشور و چه در منطقه، می توان از جمله اظهار نمود که کابل، نظارت و کنترولش را بر مجموعه اوضاع داخلی، بویژه در برخی از مناطق شمال کشور از دست می دهد.

در داخل مجموعه "طالب"ها، شکل بندی دسته های مختلفی را می توان حدس زد که هر کدام از خود دارای برنامه های سیاسی منحصر بفردی می باشند. برخی از آنها بمنظور برسمیت شناختن بین المللی حاکمیت موجود "طالب"ها تلاش می ورزند، بخش دیگر بهدف دستیابی با اهداف مورد نظر با رهبران ایران و پاکستان ارتباط هایی برقرار نموده و عده دیگری از آنها در صدد ایجاد تماس هایی با فدراسیون روسیه نیز می باشند.

از یاد ما نرود که در وضعیت وشرايط مشخصی، با مساعدت ها و ارانۀ کمک های خارجی، امریکایی ها هم چندان بد شان نمی آید تا در عرصه یادشده بایفای نقش فعالی مبادرت ورزند.

یکشنبه ۲۸ ماه جوزای سال ۱۴۰۲ خورشیدی مطابق ۱۸ ماه جون سال ۲۰۲۳ ترسایی